

اول ماه مه و تدارک اعتصاب سراسری در نفت



در صفحه ۳

دفاع از حقوق زنان کارگر و مبارزه با آپارتاید جنسی در محیط کار

کارگران زن از جمله محرومترین بخش‌های طبقه کارگر ایران هستند. زنان کارگر از نظر دستمزد، بیمه درمانی و بازنشستگی، ساعات کار، شرایط کاری، امنیت شغلی و قراردادهای کار در شرایطی به مراتب بدتر از کارگران مرد قرار دارند. برای نمونه با تشدید رکود اقتصادی که بیماری کرونا نیز در سرعت و شدت آن تاثیر داشت، زنان زیادی از بازار کار خارج شدند، زنانی که بی‌شک بخشی از آن‌ها به‌عنوان سرپرست خانوار، فروش نیروی کارشان تنها منبع مالی برای تامین نیازهای معیشتی خانوار بوده است.

در صفحه ۱۲

حمله نظامی روسیه به اوکراین و پایان جهان تک‌قطبی

آتش‌بس در مولداوی در آن حضور داشتند. از سال ۱۹۹۵ نزدیک به ۱۵۰۰ سرباز روس در این منطقه پایگاه و حضور دارند و نزدیک به نیمی از جمعیت آن روس‌اند. در مارس ۲۰۱۴ پارلمان ترانس‌نیستریا رسماً از روسیه درخواست کرد که اجازه داشته باشد مانند کریمه به فدراسیون روسیه ملحق شود و روسیه قول داد

در صفحه ۵

چنین به نظر می‌رسد که در نزاع میان روسیه و ناتو بر سر اوکراین، روسیه توانسته تا همین لحظه بخش اصلی اهداف خود را عملی سازد. در مرحله نخست جنگ در جنوب اوکراین، با تصرف منطقه خرسون و ماریوپول یک مسیری زمینی تا جمهوری جدایی‌طلب ترانس‌نیستریا، با پری‌دنیستر، ایجاد کند که از قبل تعدادی از نیروهای مسلح روسیه به‌عنوان بخشی از توافق

نه تسلیم نه سازش، رتبه بدون خواهش

روز پنجشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۱، یک بار دیگر ده‌ها هزار معلم و فرهنگی بازنشسته به خیابان‌ها آمدند و فریاد اعتراض آنان نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات شان در سراسر ایران طنین افکن شد. این تجمعات اعتراضی که بر اساس بیانیه "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در خواست شده بود، به رغم فشارهای امنیتی و با وجود احضار تعداد کثیری از معلمان توسط دستگاه پلیسی - قضایی رژیم در مقابل اداره‌های آموزش و پرورش شهرهای مختلف بر گزار شد. تجمع اعتراضی معلمان در تهران که قرار بود مقابل وزارت آموزش و پرورش برگزار شود، با جوی شديدا امنیتی مواجه شد. پلیس و نیروهای امنیتی رژیم با استقرار یگان‌های ویژه در برخی خیابان‌های اطراف وزارت آموزش و پرورش و دستگیری ده‌ها معلم تلاش کرد تا مانع از تجمع معلمان در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش شوند. در وضعیت بحرانی حاکم بر کشور، جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه اعتراض توده‌ای در تهران برای جمهوری اسلامی بسیار حائز اهمیت است. از این رو، نیروهای سرکوبگر رژیم، برای ممانعت از اجتماع معلمان در تهران، با تمام نیرو وارد میدان شدند. از نخستین ساعات

در صفحه ۲

زنده‌باد همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان

فعالین و هواداران سازمان
فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

در صفحه ۹

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

هسته امیر پرویز پویان

در صفحه ۸

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به سیزدهمین کنگره حزب کمونیست ایران

۸

خشم و اعتراض معلمان در سراسر ایران

۱۰

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه

مهاجران افغانستانی را قویا محکوم می‌کنیم!

۱۰

نه تسلیم نه سازش، رتبه بدون خواهش

روز پنجشنبه اول اردیبهشت، یگان ویژه، پلیس و لباس شخصی‌های امنیتی از میدان فردوسی تا کریمخان را فزق کردند. فضای امنیتی در این مسیرها آن چنان سنگین بود، که حتی به عابران نیز اجازه ایستادن داده نمی شد. طبق گزارش شورای هماهنگی از همان ساعات اولیه روز اعتراض، در حد فاصل میدان فردوسی تا انتهای خیابان قرنی، حدود ۴۰ معلم توسط گارد شورش، پلیس و نیروهای لباس شخصی، دستگیر و به بازداشتگاه وزرا منتقل شدند.

ایجاد فضای امنیتی البته فقط مختص به تهران نبود. در شهرستان‌ها نیز جو امنیتی شدیدی حاکم بود. نهادهای سروکبک رژیم از چند روز قبل تر، با ارسال پیامک برای معلمان در شهرهای مختلف و بعضاً احضار تعدادی از آنان سعی کردند تا اگر نتوانند مانع تجمعات معلمان شوند، دست کم در برگزاری تجمعات سراسری اخلال ایجاد کنند. اما همانگونه که شاهدش بودیم، رژیم موفق به خاموش کردن صدای اعتراض معلمان نشد و ده‌ها هزار معلم و فرهنگی بازنشسته همانند اعتراضات پیشین در مقابل ادارات آموزش و پرورش شهرهای مختلف کشور حضور یافتند و تجمعات اعتراضی خود را با فریاد "نه تسلیم نه سازش، رتبه بدون خواهش" برپا کردند.

تصاویری که تاکنون در شبکه‌های تشکل‌های مربوط به فرهنگیان انتشار یافته است، از حضور اعتراضی معلمان در حدود ۴۰ شهرستان خبر داده اند. کرج، قزوین، تبریز، اهواز، سنج، همدان، کرمانشاه، دهگلان، قم، نیشابور، بوکان، شیراز، اردبیل، مریوان، اصفهان، اراک، هرسین، رشت، بهمنی، یزد، مشهد، کامیاران، پلدختر، زنجان، دهگلان، اسلام آبادغرب، بیجار، شهرضا، ناکستان، شهرکرد، الیگودرز، کوهدشت، بوشهر، یاسوج، مهریز، شوشتر، لاهیجان، بانه، دلفان، بروجرد، شوش و تعداد دیگری از شهرها از جمله مناطقی بوده اند که ده‌ها هزار معلم و فرهنگی بازنشسته مطالبات خود را به طور همزمان فریاد زدند.

در هریک از این اجتماعات سراسری، معلمان با ایراد سخنرانی‌های پر شور، خواستار تحقق مطالبات فوری خود شدند. اجرای کامل و بی‌درنگ رتبه بندی صحیح، مطابق حداقل ۸۰ درصد حقوق هیئت علمی دانشگاه‌ها، همسان سازی حقوق بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری، آزادی بی‌قید و شرط معلمان زندانی، توقف احضار و پرونده سازی علیه معلمان، آزادی تشکل و تجمع، آموزش رایگان و باکیفیت برای دانش آموزان، توقف سیاست‌های ضد آموزشی خصوصی سازی، از جمله مطالبات فوری معلمان در این تجمعات اعتراضی بود.

در ویدئوهایی که از تجمعات سراسری روز اول اردیبهشت منتشر شده است، معلمان با سر دادن شعارهایی نظیر: نه تسلیم نه سازش رتبه بدون خواهش، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است، وزیر بی کفایت شرمت باد، معلم بیا خیز برای رفع تبعیض، معلم زندانی آزاد باید گردد و معلم، کارگر، اتحاد اتحاد، پیگیرتر از گذشته خواستار

تحقق مطالبات فوری خود شده اند. تجمعات سراسری معلمان در روز اول اردیبهشت امسال، اگرچه اولین اعتراضات آنان در سال جدید بود، اما ادامه چندین تجمع سراسری آنان طی سال‌های قبل بوده است. اعتراضاتی که دست کم از ده سال پیش به صورت علنی و خودجوش ظاهر شد، به تدریج انسجام بیشتری بیافت و در سال گذشته و به طور اخص از نیمه دوم سال گذشته در ابعادی وسیعتر و به صورت سازمان یافته تر در کف خیابان‌ها ظاهر شد.

اعتراضاتی که در بیانیه فراخوان تجمع سراسری "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" برای روز اول اردیبهشت، این چنین جمع‌بندی شده است: سال گذشته، سال خیزش و اعتلای جنبش معلمان برای تحقق مطالباتی بود که یک دهه از عمر آن‌ها می‌گذرد. مطالباتی که جزو حقوق اولیه معلمان است، اما توسط حاکمیت در دولت‌های مختلف به گروگان گرفته شده است. در همین راستا در سال ۱۴۰۰، شورای هماهنگی با حمایت معلمان مطالبه گر و معترض توانست یازده تجمع سراسری را سازماندهی و رهبری نماید و مطالبات فرهنگیان بازنشسته و شاغل را در کنار حق آموزش رایگان به گوش جهانیان برساند. امروز هیچ فردی از حاکمان نمی‌تواند مدعی شود که از خواسته‌ی معلمان بی‌خبر است و ما در سال گذشته با تمام مسئولان اتمام حجت نمودیم."

آری، جنبش اعتراضی معلمان با برگزاری یازده تجمع اعتراضی و بعضاً تعطیل کردن کلاس‌های درس طی سال گذشته به طور قاطع با مسئولان رژیم اتمام حجت کرده و با صدای بلند اعلام کرده است تا تحقق کامل مطالبات، تجمعات اعتراضی آنان در کف خیابان‌ها ادامه خواهد داشت. معلمان مبارز، در هر اجتماع ادامه کاری تجمعات اعتراضی خود را با شعار "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، فریاد کرده اند.

نفوذ و اثر گذاری اتمام حجتی را که "شورای هماهنگی" معلمان در بیانیه خود از آن یاد کرده است، طی یک سال گذشته با صریح ترین زبان در اغلب تجمعات سراسری آنان از جمله در تجمعات سراسری اسفند ماه گذشته بیان شده است. برای نمونه در اجتماع شیراز معلمی از پشت بلندگو این چنین متهورانه با همکاران خود سخن می‌گوید: "کی گفته ما مظلومیم. ما با شجاعت کامل و با درایت کامل، قاطعانه هستیم. شک نکنید این ظالمان را ما از میدان خارج می

کنیم. آقای رئیسی، آقای قالیباف، این آخرین پیام است جنبش فرهنگیان آماده قیام است". و آنگاه جمعیت چند هزار نفری حاضر در اجتماع با تکرار شعار "این آخرین پیام است، جنبش فرهنگیان آماده قیام است"، قدرت، اتحاد و همبستگی مبارزاتی خود را به رخ کشیدند. جنبش اعتراضی معلمان با قاطعیت نشان داده است که جنبشی قائم به ذات است. جنبشی متکی به این فرد یا آن فرد نیست. جنبشی متکی بر اکثریت قاطع معلمان است و با دستگیری و به زندان فرستادن این یا آن معلم از حرکت باز ایستد. این جنبش متحد، با حضور در کف خیابان‌ها و با طرح پاره‌ای مطالبات عمومی نظیر آموزش رایگان، آزادی معلمان زندانی، هم‌اینگ از نظر سیاسی جایگاه ارزنده‌ای در میان توده‌های مردم ایران پیدا کرده است. جنبشی که به پشتوانه بدنه معلمان هر روز شکوفاتر می‌شود، با سازماندهی منسجم تر پا به میدان می‌گذارد و هر بار معلمان بیشتری را به اعتراض در کف خیابان‌ها کشانده است. جنبشی قائم به ذات، که با تلفیق مطالبات صنفی و سیاسی علاوه بر حمایت عملی بخش‌هایی از دانش آموزان و خانواده‌های آنان، پشتوانه معنوی و بالقوه توده‌های مردم ایران را نیز جلب کرده است.

شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" و در گستره‌ای همگانی تر، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" از جمله مطالبات سیاسی معلمان است که با خواست صنفی رتبه بندی و بهتر شدن وضعیت معیشت آنان گره خورده است. خواست سیاسی آموزش رایگان و توقف خصوصی سازی مدارس و تلفیق آن با مطالبه همسان سازی حقوق بازنشستگان، مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری و آزادی تشکل و تجمع، در پیوستگی با هم در هر اجتماع سراسری آنان تکرار می‌شود. خواست‌هایی که وزنه سیاسی جنبش اعتراضی معلمان را در سطوح مختلف جامعه سنگین تر کرده و اعتبار آنان را در جامعه افزایش داده است.

در این میان، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های موثر و رادیکال "شورای هماهنگی" نیز مزید بر علت بوده و هر بار معلمان بیشتری را به مشارکت در اعتراضات خیابانی ترغیب و راه همبستگی و متشکل شدن آنان را هموارتر کرده است. اگر تا نیمه‌های سال گذشته ۲۱ تشکل صنفی معلمان در "شورای هماهنگی" حضور داشتند، اکنون تعداد آن‌ها به ۲۵ تشکل رسیده است.

از یاد نبریم، دست یابی به چنین افق‌هایی از مبارزه، همانقدر که برای جنبش اعتراضی معلمان موجب امید و قدرت است، در درون رژیم اما ترس و وحشت را دامن زده است. ترس

در صفحه ۴

**رژیم جمهوری اسلامی را باید
با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

اول ماه مه و تدارک اعتصاب سراسری در نفت

در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، جوش و خروش ویژه‌ای در میان کارگران و تشکلهای کارگری پدیدار شده است. فضا در مراکز کارگری و محیطهای کار به‌ویژه در نفت آکنده از عطر مبارزه است. تورم و گرانی فزاینده و کمسابقه کالاهای اساسی موردنیاز کارگران در سال جاری از یکسو و دستمزدهای ناچیز مادون خط فقر و استیصال و ناتوانی کارگران در تهیه نیازهای مطلقاً ضروری زندگی، کار را به استخوان و کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی را به مرحله انفجار رسانده است. تشدید فشارهای اقتصادی، تعرض پدیداری طبقه سرمایه‌دار حاکم به سفره و معیشت کارگران، نارضایتی کارگران را بسیار تشدید نموده و اعتراضات و اعتصابات کارگری را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. جرقه‌های انفجار و اعتصاب را همهجا به‌ویژه در نفت و گاز و پتروشیمی به‌وضوح می‌توان دید. در چندین شرکت نفت و گاز اعتصاب آغاز شده و ده‌ها پلایشگاه، سکوی نفتی، پتروشیمی، شرکت نفت و گاز و حفاری در آستانه اعتراض و اعتصاب‌اند.

اعتصابات متعدد به‌ویژه اعتصابات سراسری کارگران نفت و گاز و پتروشیمی در سال گذشته بسیاری از کارفرمایان را به پذیرش برخی از خواست‌های کارگران وادار ساخت. کارگران پروژه‌ای و پیمانی نفت با اعتصاب سراسری و پرشکوه خود محکم و استوار روی خواست افزایش دستمزد، نوبت‌بندی بیست روز کار، ده روز مرخصی و بهبود وضع غذاخوری و خوابگاه‌ها ایستادند. در معدود شرکت‌هایی این خواست‌ها عملی شد و دستاوردهایی نصیب کارگران ساخت. در اکثر شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی اما فقط وعده‌هایی به کارگران داده شد. وقتی که اعتصاب سراسری فروکش نمود، سرمایه‌داران و پیمانکاران نه‌فقط به وعده‌های خود عمل نکردند، بلکه از موضع قدرت و طلبکارانه به مقابله با کارگران برخاسته و آشکارا به ارباب و تهدید کارگران پیشرو متوسل شدند و حتی تا مرحله تعلق و اخراج نیز پیش رفتند. در شرکت‌های مختلف به کارگران اعلام شده " همین است که هست، نمی‌خواهید تسویه حساب کنید". فشار و زورگویی علیه کارگران غیررسمی نفت تا آنجا پیش رفته است که استعمارگران و پیمانکاران بی‌رحم، نه‌فقط خواست دو برابر شدن دستمزد را نپذیرفتند بلکه حتی از افزایش دستمزد به میزان ۵۷ درصد و اجرای مصوبه شورای عالی کار رژیم نیز خودداری کرده‌اند. اعتصابات کارگران پیمانی نفت در اعتراض به خلف وعده کارفرمایان که از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ آغاز شد و در ماه‌های پایانی سال اوج نوبنی به خود گرفت، در سال جاری (۱۴۰۱) نیز ادامه یافته است.

سیاست‌های وزارت نفت که تماماً مبتنی بر تشدید استثمار، بی‌حقوق، ارزان‌سازی و برده‌سازی نیروی کار بوده به نارضایتی در صفوف تمام کارگران صنعت نفت به‌شدت دامن زده است. ۱۲۶ هزار کارگر پیمانی تحت بدترین شرایط کاری در صنعت نفت مشغول به کارند که

به‌شدت استثمار می‌شوند و هیچ‌گونه تضمین شغلی ندارند. حدود ۳۴ هزار نیروی کار با قرارداد مدت معین یک‌ساله کار می‌کنند که مبارزه آن‌ها برای احقاق حقوق خویش ادامه دارد و هنوز به نتیجه نرسیده است. کارگر قرارداد مدت معین اگر یک روز مرخص شود و یا به هر دلیل دیگر سرکار حاضر نشود، مزد آن روز به وی پرداخت نمی‌شود. کارگری که برای مثال ۱۵ سال سابقه کار دارد، تفاوت چندانی با نیروی تازه جذب‌شده ندارد و عملاً به کارگر روزمزد تبدیل‌شده است. این در حالی است که وزارت نفت بخش زیادی از نیروی کار را از میان "ایثارگران" (۱) انتخاب می‌کند. وزارت نفت در همان حال که به خواست کارگران از جمله کارگران قرارداد مدت معین که از تخصص علمی و فنی نیز برخوردارند برای تبدیل وضعیت و استخدام رسمی وقعی نمی‌نهد و تاکنون به‌دروغ و وعده توخالی و سرکوب اکتفا نموده است، اما در عوض همین "ایثارگران" را به استخدام رسمی درمی‌آورد که اغلب آن‌ها فاقد پیش‌شرطهای لازم علمی و تخصصی هستند. اخیراً ایلنا مورخ ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ اعلام کرد دستورالعمل تبدیل وضعیت و استخدام ۱۶ هزار و ۶۲۶ تن از این "ایثارگران" زیرمجموعه وزارت نفت نیز صادر شده است.

روحیه اعتراضی و میزان نارضایتی در میان کارگران نفت بسیار بالا است. تمام شواهد موجود حاکی از آن است که کارگران نفت در قبال اقدامات سرکوبگرانه و تهدیدآمیز سرمایه‌داران میدان را خالی نکرده‌اند. این شواهد و اعتصابات پراکنده کارگران طی ده روز اخیر نه‌فقط گویای ادامه اعتراض و اعتصاب و مبارزه در نفت است بلکه همچنین بشارت‌دهنده اعتصاب بزرگ و سراسری دیگری است که نشانه‌های آن از هم‌اکنون آشکار گشته است. کارگران پتروشیمی آراین متانول با خواست افزایش دستمزد، روز ۲۵ فروردین دست به اعتصاب زدند. کارگران پتروشیمی بوشهر با خواست افزایش دستمزد و اجرای طرح ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت نیز دست به اعتراض زده‌اند. صدها تن از کارگران پروژه ساخت مخازن در پلایشگاه آدیش کنگان در اعتراض به عدم افزایش مزد مصوب، روز ۲۶ فروردین دست به تجمع و اعتراض زدند. کارگران نوبت‌کار شرکت نفت و گاز آغاچاری و همچنین پرسنل نوبت‌کار شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان نیز روز ۳۱ فروردین دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون و کارون نیز در همین روز در محل شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران مبارز نفت در بسیاری دیگر از شرکت‌ها و مؤسسات نفت و گاز و پتروشیمی از جمله در پایانه‌های نفتی، خارک، عسلویه ماهشهر و پارس جنوبی نیز دست به اعتراض و تجمع زدند.

این نمونه اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت که عمدتاً با خواست افزایش دستمزد و اجرای طرح ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت برپا شده انعکاس نارضایتی عمیق کارگران به‌ویژه کارگران پیمانی و پروژه‌ای از وضع موجود

است. در بسیاری از شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری نوبت‌کاری به‌صورت ۲۴ ساعت کار و ۶ روز استراحت است و فشار کار بسیار بالا است. افزون بر این درحالی‌که قیمت تمام کالاها از جمله پوشاک و مواد خوراکی در سال ۱۴۰۱ به طرز وحشتناکی افزایش یافته است اما پیمانکاران و کارفرمایان حاضر به افزایش دستمزد نشده‌اند. روحیه و جو اعتراضی و نارضایتی در نفت بیش از هر زمان دیگری بالاست. این نارضایتی در میان تمام کارگران اعم از رسمی یا قراردادی معین تا پیمانی و پروژه‌ای به‌شدت افزایش یافته است. نفت در آستانه یک انفجار وسیع است. نفت در تدارک اعتصابات گسترده و سراسری است.

گروهی از کارگران پیمانی و پروژه‌ای با انتشار فراخوانی پس از اشاره به وضعیت انفجاری در نفت، هشدار داده‌اند چنانچه دو خواست افزایش دستمزد به میزان ۵۷ درصد و طرح ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت تا پنجم اردیبهشت عملی نشود، وارد اعتصاب سراسری شده و کارگاه‌ها را ترک خواهند کرد. "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" نیز با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ اول اردیبهشت ضمن حمایت از این گروه از کارگران پروژه‌ای، بار دیگر تأکید نمود دستمزد ماهانه هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون تومان باشد. "شورای سازمان‌دهی" نه‌فقط از اعتصاب در روز ۵ اردیبهشت حمایت کرد بلکه همچنین بر آماده شدن و تدارک برای یک اعتصاب قدرتمند و سراسری در گرمیاداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر نیز تأکید کرد. "شورای سازمان‌دهی" در این بیانیه نوشت: " تأکید ما بر تجمع در مقابل کارگاه‌ها و پلایشگاه‌هاست. تأکید ما بر تشکیل مجامع عمومی و تعیین نمایندگان منتخب مجامع عمومی‌مان برای نمایندگی شدن در مذاکرات است که با کارفرمایان و پیمانکاران خواهیم داشت. با چنین تدارکی از مبارزه ما به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم و هم‌صدا با همکاران خود در سراسر ایران و هم‌طبقه‌ای‌هایمان در جهان این روز را گرمی می‌داریم. "شورای سازمان‌دهی" با اشاره به تجربه اعتصاب سال گذشته و این واقعیت که تخلیه خوابگاه‌ها و ترک محل کار جواب نداده است، بر اعتصاب و تجمع کارگران در محل کار و برپائی مجامع عمومی برای انتخاب نمایندگان کارگری از نوع آنچه در هفتجان شکل گرفت تأکید نموده است.

"شورای سازمان‌دهی" در اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های خود از جمله در بیانیه‌ای که به مناسبت اول ماه مه انتشار داد، بار دیگر بر اتحاد و تحکیم پیوند میان کارگران به‌منظور حرکت همبسته‌تر و مبارزه سازمان‌یافته‌تر کارگران به‌ویژه در اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگری تأکید کرد.

"شورای سازمان‌دهی" در این مورد نوشت: "هراندازه که بتوانیم این پیوندها را مستحکم کنیم و سازمان‌یافته‌تر عمل نماییم، چشم‌اندازهای پیش رو برجسته‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، ما کارگران پروژه‌ای و پیمانی این روز همبستگی جهانی کارگری را باید متحدتر از هر زمان دیگری کنار هم قرار بگیریم و برای استقبال از

اول ماه مه و تدارک اعتصاب سراسری در نفت

چنین روزی تدارک تجمعاتمان را مقابل مراکز کاری، پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، نیروگاه‌ها و مناطق ویژه ببینیم. یک‌صدای خواسته‌هایمان را اعلام کنیم و اولتیماتوم دهیم که همچنان پیگیر مطالباتمان هستیم. ما همچنان خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و چپاولگر و لغو قوانین برده‌وار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هستیم. خواستار افزایش دستمزدها و رسیدن سطح آن در حد یک زندگی شایسته انسان هستیم. خواستار بهبود قابل‌قبول محیط‌های کاری و زیستی‌مان در نفت و پتروشیمی، داشتن ایمنی محیط کار و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق داشتن تشکل، تجمع و اعتراض هستیم. با صدای بلند اعلام کنیم که ما باز هم می‌آییم. این روز می‌تواند مناسبی باشد برای تأکید بر خواسته‌های سراسری کارگران و فرصتی برای مطالبات پاسخ‌نگرفته‌مان. از همه کارگران و مزدبگیران دعوت می‌کنیم بیاینه‌ها و قطعنامه‌های خود را تدارک ببینند. بیایید در کنار هم قطعنامه سراسری اول ماه مه داشته باشیم و درد مشترکمان را فریاد کنیم. برای پایان دادن به این بربریت اتحاد سراسری مان را به نمایش بگذاریم و بدین گونه روز جهانی کارگر را به‌روز اعتراض خود علیه وضعیت نابسامان معیشتی و زیستی‌مان تبدیل کنیم."

این شواهد نشان می‌دهد که نفت جدی‌تر از گذشته، در تدارک یک اعتصاب قدرتمند سراسری دیگر است. مطابق اطلاعیه مورخ یکشنبه ۴ اردیبهشت "شورای سازمان‌دهی" کارگران پیمانی از روز دوشنبه ۵ اردیبهشت به استقبال اعتصاب سراسری می‌روند. بر طبق همین اطلاعیه از هم‌اکنون (یکشنبه ۴ اردیبهشت) کارگران پالایشگاه اصفهان، فازهای گازی سلولیه، و پتروشیمی بوشهر اعتصاب را آغاز کرده‌اند. پرسنل نوبت‌کار زیرمجموعه مناطق نفت‌خیز جنوب نیز مطابق فراخوان قبلی وارد اعتصاب شده‌اند.

در همین حال روز ۴ اردیبهشت، فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" برای تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در یازده اردیبهشت (اول ماه مه) انتشار یافت. در این فراخوان ضمن تأکید بر خواسته‌های مشترک

کارگران و معلمان مانند؛ حق تجمع و تشکل و فعالیت آزادانه و آزادی زندانیان سیاسی... از خواسته‌های کارگران دفاع به‌عمل آمده و نسبت به اتحاد عمل کارگران و معلمان که زمینه واقعی آن فراهم‌شده اظهار امیدواری شده است. گروه‌های مستقل بازنشستگان نیز با صدور اطلاعیه مشترکی، از فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" و تجمع یازده اردیبهشت (اول ماه مه) حمایت کردند. "شورای سازمان‌دهی" نیز با توجه به این فراخوان و اعلام تجمع معلمان در اول ماه مه (یازده اردیبهشت) بار دیگر بر اعتصاب سراسری و مبارزه متحدانه کارگران و زحمتکشان برای رهایی از ستم و بردگی و استعمار تأکید کرد.

جامعه در غلبان است و مقدم بر هرچایی نفت در تبت‌تاب است و آرام و قرار ندارد. نفت در تدارک سازمان‌دهی نمونه درخشان دیگری از اتحاد و قدرت کارگری است آن‌هم درست در آستانه اول ماه مه روز اتحاد طبقاتی کارگران و روز نمایش قدرت طبقه کارگر. رایحه اعتصاب و مبارزه تمام فضای دودآلود شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی را تسخیر نموده و همه‌چیز را تحت‌الشعاع خود قرار داد است. نفت بی‌تاب است و آرام و قرار ندارد. کارگر آگاه نفت را نمی‌توان با دروغ و نیرنگ فریب داد و از مبارزه در راه خواسته‌ها و آرمان‌های بلند کارگری بازداشت. خشم و نارضایتی در نفت بیش‌ازپیش تراکم یافته است. کبریتی کافی است تا بار دیگر اعتصاب و مبارزه در سراسر مناطق نفتی شعله‌ور شود. پیش به‌سوی اعتصاب سراسری! پیش به‌سوی برگزاری هرچه باشکوتر اول ماه مه!

زیرنویس

در قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران ماده ۱ بند الف ایثارگر چنین تعریف شده است: "ایثارگر در این قانون به کسی اطلاق می‌گردد که برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن داخلی و خارجی انجام‌وظیفه نموده و شهید، مفقودالثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده شناخته شود"

نه تسلیم نه سازش، رتبه بدون خواهش

رژیم از نفوذ جنبش معلمان در گستره ای وسیعتر و به خصوص کشیده شدن توده های مردم ایران در همراهی خیابانی با جنبش اعتراضی معلمان، هم اینک به کابوس وحشتناکی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. ترس رژیم از کشیده شدن توده های مردم ایران در همراهی با جنبش اعتراضی معلمان و گسترش آن بویژه در تهران به طرز آشکاری در واکنش سرکوبگرانه نیروهای امنیتی ظاهر شده است.

سرکوب و دستگیری فله ای معلمان در تهران، احضار صدها تن از معلمان و فعالان کانون های صنفی معلمان به مراکز امنیتی، احضار و تهدید معلمانی که در انتظار اجرای حکم هستند، دادن حبس های سنگین به تعداد دیگری از معلمان از جمله رسول بدایق که با پشت سر گذاشتن ۷ سال حبس اخیراً از زندان آزاد شده بود و اکنون بار دیگر به ۵ سال زندان محکوم شده است، همه و همه نشانه هایی از وحشت روز افزون رژیم در مواجهه با گسترش جنبش اعتراضی معلمان و نفوذ آن در میان توده های مردم ایران است.

سرکوب، احضار و بگیر و ببند معلمان، تنها یک وجه از سیاست های جمهوری اسلامی در مواجهه با مطالبات معلمان است. وجه دیگر آن، در انتظار نگه داشتن معلمان با هدف خسته کردن آنان از ادامه مبارزات خیابانی است. کابینه رئیسی از دو ماه قبل از عید، با وعده های توخالی معلمان را سر دوانید و اعتراضات سراسری آنان را به مدت دو ماه متوقف کرد و از حرکت باز داشت. اما اینبار نیز سیاست های رژیم در هر دو وجه آن با شکست مواجه شد و معلمان با تجمعات سراسری اول اردیبهشت بار دیگر نشان دادند که جنبش اعتراضی معلمان، رادیکال تر و پر قدرت تر از آن است که با سرکوب و تهدید نهادهای امنیتی، با احضار و بگیر و ببند معلمان فعال و وعده های پوچ مسئولان دولتی از میدان بدر شود. این را ما نمی گوئیم، این را "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران" با تأکید بر "اتحاد و همبستگی تشکیلاتی" معلمان و با یادآوری اینکه مطالبات آنان با سازش و خواهش بدست نمی آید، در بیاینه پایانی تجمع های سراسری روز اول اردیبهشت خود این چنین بیان کرده است: "ما با صدای رسا اعلام می کنیم که مطالبات ما بخشی از حقوق انسانی و اولیه ماست. تنها راه تحقق مطالبات فرهنگیان اتحاد و همبستگی تشکیلاتی است و به زودی تاریخ تجمع بعدی را اعلام می کنیم و روند اعتراض تا تحقق مطالبات ادامه خواهد داشت."

وعده ای که سه روز بعد در روز ۴ اردیبهشت در فراخوان جدید "شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران" مبنی بر اعلام تجمع سراسری معلمان شاغل و بازنشسته در یازده اردیبهشت (اول ماه مه) و تأکید بر خواست مشترک کارگران و معلمان همانند "حق تجمع و تشکل و فعالیت آزادانه و آزادی زندانیان سیاسی"، تجلی یافت.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار می کند
برنامه های ویژه روز جهانی کارگر

شرکت فعالین سازمان در خارج کشور در راه پیمایی ها و جشن های اول ماه مه همگام با کارگران در کشورهای مختلف جهان

جلسه در کلابهوس در «کلاب آنلاین» شورایی، موضوع: گزارش مراسم اول ماه مه در جهان. شروع برنامه ساعت ۲۰ به وقت اروپای مرکزی (ساعت ۲۱:۳۰ به وقت ایران)

یکشنبه
اول ماه مه
۱۱ اردیبهشت

دوشنبه
دوم ماه مه
۱۲ اردیبهشت



اول ماه مه
روز جهانی کارگر
روز وحدت نژاد انسانی

WORKERS OF THE WORLD UNITE!



کارگران جهان متحد شوید!

www.fadaian-minority.org

حمله نظامی روسیه به اوکراین و پایان جهان تک‌قطبی

که آن را مدنظر قرار دهد. بنابراین روسیه اکنون از طریق مناطق تصرف‌شده در جنوب اوکراین، با مولداوی هم‌مرز شده است. در مرحله دوم جنگ که از هفته پیش در شرق اوکراین برای تصرف کامل دنباس آغاز شد، از همان روز نخست پیشروی داشته و شهر کرمن را در اولین روز حمله تصرف کرد. چند روز پیش نیز یک مقام اوکراینی اعلام کرد که هم‌اکنون هشتاد درصد منطقه لوهانسک در تصرف روسیه است. پیش از آغاز این حمله روسیه، جدائی‌طلبان روس در اوکراین، بخش‌هایی از منطقه دنباس را در تصرف خود داشتند و جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک را اعلام کرده بودند که از سوی روسیه به رسمیت شناخته شدند. علت موفقیت‌های نظامی روسیه در جنگ با اوکراین که به نیابت از سوی ناتو در حال جنگ است، گذشته از قدرت نظامی برتر روسیه در این است روس‌هایی که پس از فروپاشی شوروی در اوکراین ماندند به‌ویژه پس از تحولات سیاسی سال ۲۰۱۴ مورد سرکوب و آزار راست‌گرایان افراطی اوکراینی قرار گرفتند، به روسیه تمایل بیشتری پیدا کردند و این کشور برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه خود از آن‌ها استفاده کرد. اگر روسیه بتواند اهداف خود را در مرحله دوم جنگ و تصرف کامل منطقه دنباس عملی کند، باید گفت که این یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های ناتو، پس از شکست‌های نظامی خاورمیانه است که ضعف و ناتوانی آن و جهان تک‌قطبی آمریکایی-آمریکایی را بیشتر برملا خواهد کرد و عواقب سیاسی بزرگی در رقابت‌های بعدی قدرت‌های امپریالیست برای بلوک آمریکایی-اروپائی در بر خواهد داشت و راه را برای پیشروی امپریالیست‌های روسی و چینی، همراه با درگیری‌های شدیدتر، هموار خواهد کرد.

در واقعیت، این‌که روسیه به اوکراین حمله نظامی کرد خودش بازتاب تغییر در توازن قوای قدرت‌های امپریالیست است و طرفین از مدت‌ها پیش باسیاست‌های خود تدارک آن را دیده بودند. روزی که روسیه به اوکراین حمله نظامی کرد ادعا داشت که سیاست‌های ناتو امنیت این کشور را به مخاطره انداخته، روس‌های شرق اوکراین در معرض سرکوب نازی‌های اوکراینی قرار گرفته‌اند و می‌خواهد جلو آن را بگیرد. در واقعیت اما، ماجرا ریشه‌دار از این حرف‌ها بود. برای پی بردن به اهداف روسیه باید به دوران فروپاشی شوروی بازگشت و از آنجا مسئله را دنبال کرد و دید که چه اتفاقاتی در میان قدرت‌های امپریالیست رخ داد، چه سیاست‌هایی را اعمال کردند و تحولات بعدی آن‌ها چه بود که به اینجا رسید.

با فروپاشی شوروی، بلوک امپریالیست آمریکایی-اروپائی که خود را پیروز به اصطلاح جنگ سرد می‌دانست، دست‌به‌کار بهره بردن از ثمرات پیروزی شدند. از آنجائی که این

بلوک می‌دانست مسئله قدرت روسیه واقعیت امروز و دبروز نیست، بلکه مسئله ژئوپلیتیک چندین قرن در اروپاست، تلاش کرد چنان آن را تضعیف و از همه سو محاصره کند که دیگر هرگز نتواند بار دیگر به‌عنوان یک قدرت اروپائی سربلند کند. شوروی را همچون گوشت قربانی تک‌تکه کردند و نخست این کشورها را تحت سلطه سیاسی و سپس نظامی و اقتصادی خود درآوردند. چون‌که دیگر حریف و همتایی در جهان برای این بلوک وجود نداشت، به‌رغم این‌که قدرت آمریکا از اواخر قرن بیستم در حال نزول بود، دولت آمریکا کوشید با استفاده از برتری نظامی خود، نظام تک‌قطبی را بر جهان حاکم سازد. قدرت این تک‌قطبی، دیگر حتی فراتر از سازمان ملل و توافق‌های پس از جنگ جهانی دوم بود و آن‌ها به هیچ گرفته شدند. در برخی موارد آمریکا حتی شریک خود، اروپا را نادیده گرفت. لشکرکشی‌های نظامی آغاز گردید. نه‌فقط یوگسلاوی را به نحوی تجزیه کردند که نزاع‌های بی‌سابقه همراه با قتل‌عام‌های وحشیانه در میان مردم این کشور بود و هر استان آن را به یک دولت مستقل تبدیل کردند، بلکه در سال ۱۹۹۹ ناتو با بمباران‌های وحشیانه صربستان چنان درسی به نافرمانی صرب‌ها داد که دیگر کسی جرئت نافرمانی نداشته باشد. محاصره روسیه در اروپا کامل شده بود و اکنون می‌بایستی در شرق نیز عملی گردد. طرح خاورمیانه‌های بزرگ یوش پسر که با اشغال نظامی افغانستان ۲۰۰۱ و عراق در ۲۰۰۳ آن‌هم بدون مجوز سازمان ملل به مرحله عمل درآمد، اجرای نقشه‌ای بود که می‌بایستی تا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی ادامه یابد و آن‌ها را نیز تحت سلطه آمریکا درآورد که به علت مقاومت‌هایی که در این هر دو کشور رخ داد، این طرح پیش نرفت و عملاً به شکست انجامید. امپریالیسم شکست‌خورده روسیه در این فاصله ضعیف‌تر و علی‌تر از آن بود که بتواند حتی در مورد متحد سابق خود عراق مخالفتی ابراز دارد. اگر هم اعتراضی ولو در لافه توسط آدمی مثل پلتنین بر سر نقض برخی توافقات دوجانبه وجود داشت، وقعی به آن نمی‌گذاشتند. آمریکا و ناتو یک‌هتاز میدان در جهان تک‌قطبی بودند. در نهایت کلینتون در ۱۹۹۳ این امتیاز را به پلتنین داد که در ناتو به‌عنوان تماشاجی حضورداشته باشد تا گویا مطمئن شود تصمیمات و اقدامات آن علیه روسیه نیست، بدون این‌که حق داشته باشد چیزی را مانع گردد. اما برنامه پیوستن دولت‌های جداشده از شوروی در شرق اروپا به ناتو تدریجاً اجرا و عملی شد. در ۱۹۹۷ جمهوری چک، مجارستان، لهستان دعوت شدند که به ناتو بپیوندند و در ۱۹۹۹ پیوستند. دولت‌های اسلواکی، بالتیک، لیتوانی، لتونی، استونی نیز در ۲۰۰۴ به ناتو پیوستند و ماجرا ادامه یافت. اما در همین فاصله تحولاتی در روسیه در حال رخ دادن بود، بدون این‌که نمود بیرونی داشته

باشد. اقتصاد و نیروی‌های مسلح از هم‌پاشیده روسیه از نو تجدید سازمان شدند. با فروپاشی شوروی، اقتصاد روسیه تا اواسط دهه ۹۰ چنان از هم‌پاشیده بود که نرخ‌های اقتصادی رشد منفی ۴ تا ۱۴ درصدی و تورم ۱۰۰ تا ۸۰۰ درصدی را تجربه می‌کرد. اما از نیمه دوم دهه ۹۰ هر دو شاخص به‌مرور بهبود یافت و از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ سالی ۷ درصد رشد داشت. ورشکستگی مالی نیز بهبود یافت و ذخیره‌ی ارزی بانک مرکزی روسیه در آوریل سال ۲۰۰۸ به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار رسید که آن را به سومین کشور در جهان پس از چین و ژاپن تبدیل کرد. حجم تولید ناخالص داخلی از حدود ۵ / ۱ تریلیون دلار به ۳ تریلیون افزایش یافت. در سال ۲۰۲۱ این رقم به حدود ۵ / ۴ تریلیون با نرخ رشد ۷ / ۴ افزایش یافت و روسیه به یازدهمین کشور جهان از حیث قدرت اقتصادی تبدیل گردید. در همین فاصله نیروی‌های نظامی روسیه نیز منسجم و مجهز به تسلیحات پیشرفته‌تری شدند. بودجه نظامی روسیه تا سال ۲۰۰۸ به ۱۸ / ۵۶ میلیارد دلار افزایش یافت و در سال ۲۰۲۱ به ۷ / ۶۱ میلیارد دلار رسید. این رقم در ۱۹۹۳ کمتر از ۸ میلیارد دلار بود. در همین حال روسیه به دومین کشور فروشنده پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی تبدیل شد.

توأم با بهبود اوضاع اقتصادی روسیه تا اوایل قرن جدید، تحولاتی در ساختار سیاسی نیز رخ داد. بورژوازی روس، دیگر به افرادی از قماش گورباچف و پلتنین نیازی نداشت. به افرادی نیاز داشت که می‌بایستی نقش احیاء کننده قدرت امپریالیسم روس را بر عهده داشته باشند. پوتین در رأس قدرت قرار گرفت. او در سخنرانی کنفرانس امنیتی مونیخ در ۲۰۰۷، به مقابله با رقیب روسیه برخاست. آمریکا و ناتو را به باد انتقاد گرفت. او جهان تک‌قطبی را مرکز یکتائی برای سلطه و قدرت نامید. هژمونی آمریکا را به چالش کشید. او گفت: "ناتو در حال راندن نیروهایش به‌سوی مرزهای ماست. ما با توجه به تعهد قاطع‌مان به توافق به این اقدامات پاسخ نمی‌دهیم. ما به‌طور مشروع حقداریم آشکارا بپرسیم که این گسترش علیه چه کسی انجام می‌شود. تضمین‌هایی که شرکای غربی ما پس از انحلال پیمان ورشو دادند چه شد؟ این تضمین‌ها کجاست؟ آیا فراموش شده است؟" این صحبت‌ها چنان برای سران قدرت‌های غربی باورنکردنی بود که روزنامه‌ی آلمانی تاگس‌اشپیگل در آن زمان نوشت: "روسیه هنوز به‌اشتباه فکر می‌کند که جهان در زمان جنگ سرد به سر می‌برد و امپراتوری اتحادیه شوروی برقرار است و دو ابرقدرت در جهان وجود دارند."

اما پوتین از کدام تضمین‌ها سخن می‌گفت؟ مسئله باز می‌گشت به زد و بند گورباچف با قدرت‌های غربی برای وحدت دو بخش آلمان، تحولات پس‌از آن و سیاستی که غرب در عمل برخلاف وعده‌هایش پیش برد.

زمانی که ماجرای توافق بر سر اتحاد آلمان و در صفحه ۶

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

حمله نظامی روسیه به اوکراین و پایان جهان تک‌قطبی

آنچه که به قرارداد ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۰ وحدت آلمان انجامید، مورد بحث بود، سران قدرت‌های غربی یکی پس از دیگری به گورباچف قول دادند که ناتو یک اینچ به سوی مرزهای اروپای شرقی بسط نخواهد یافت. هانس دیتریش گنشر در گفتگو با گورباچف گفت: " بسط سرزمین ناتو به شرق رخ نخواهد داد." در همان زمان بیکر وزیر امور خارجه آمریکا در ملاقات با گورباچف ضمن اطمینان به وی، همان عبارت معروف را بر زبان آورد که "قلمرو ناتو یک اینچ از مواضع کنونی‌اش به شرق جلوتر نخواهد رفت." این اطمینان‌ها سپس توسط هلموت کوهل و جرج بوش نیز تکرار و به گورباچف تضمین داده شد. بر طبق خاطرات سفیر انگلیس در مسکو، در مارس ۱۹۹۱ جان میجر نخست‌وزیر انگلیس در پاسخ وزیر دفاع روسیه دمپتری یازوف در مورد علاقه کشورهای اروپای شرقی به پیوستن به ناتو به او اطمینان داد چیزی از این نمونه هرگز اتفاق نمی‌افتد. آخرین سفیر آمریکا در شوروی چک متلاک هم در شهادت خود در کنگره آمریکا تأیید کرد که به گورباچف قول داده شد که اگر آلمان متحد شود و در ناتو باقی بماند مرزهای ناتو به سمت شرق حرکت نخواهد کرد. در ۱۹۹۳ نیز بلتسین به کلینتون نوشت که بسط ناتو به شرق روح قرارداد ۱۹۹۰ را نقض می‌کند. اکنون اما مقامات و توجیه‌گران سیاسی غربی به‌رغم اسنادی که از آن دوران در ۲۰۱۷ انتشار یافته است، می‌گویند این اطمینان‌ها توافق رسمی و کتبی نبوده است. مقامات و سران کشورهای بزرگ غربی از جمله آلمان و آمریکا حرفی زده‌اند و گذشته‌اند. از این گذشته این توافق فقط مربوط به قرارداد آلمان متحد بود و نه برای بعد از آن. البته برای برنده طبیعی بود که توافقات را نادیده بگیرد. چون آنچه در مناسبات قدرت‌های امپریالیست حاکم و تعیین‌کننده هست، زور و قدرت اقتصادی و نظامی است و نه حتی قراردادهای کتبی و رسمی. آن‌ها سیاست خودشان را که علیه روسیه بود، پیش می‌بردند. برای بازنده ناتوان و شکست‌خورده هم طبیعی بود که سکوت کند. بعد که قوی شد، برای برهم زدن تقسیم‌های پیشین و تجدید تقسیم، بهانه امنیت و توسعه ناتو و مسئله سیستم دفاع موشکی در لهستان و چکسلواکی را به میان بکشد و جنگ را آغاز کند. از همین رو پوتین امروز تا جایی پیش رفته است که می‌گوید ناتو باید زیربنای نظامی خود را از دولت‌های شرق اروپا که پس از ۱۹۹۷ پیوسته‌اند، جمع کند. اما اگر مسئله اختلاف بر سر پیوستن اروپای شرقی به ناتو هم در میان نبود و فرضاً این کشورها صرفاً به اتحادیه اروپا می‌پیوستند، چه؟ بی‌هیچ تردیدی در آن صورت هم طرف ضعیف و شکست‌خورده پیشین، اکنون می‌توانست دلیل دیگری را مثلاً به خطر افتادن منافع اقتصادی و سیاسی خود یا بهانه دیگری را برای تجدید تقسیم مطرح کند. پوتین اکنون به زبان دیپلماتیک

می‌گوید تقسیمات گذشته باید برهم بخورد و تقسیمات جدیدی جای آن را بگیرد.

بنابراین در نزاع کنونی مسئله این نیست که چه کسی جنگ را در اوکراین آغاز کرده است، بلکه مسئله بر سر سیاست‌هایی است که به‌ویژه قدرت‌های پیروز پس از جنگ سرد پیش بردند و جنگ را اجتناب‌ناپذیر ساختند.

سخنرانی پوتین در کنفرانس سران در بوداپست آوریل ۲۰۰۸ که مسئله پیوستن گرجستان و اوکراین به میان کشیده شده بود، شدیدتر از یک سال پیش بود و تهدید کرد که برای حفظ امنیت روسیه اقدام خواهد کرد. تهدیدش هم جدی بود و چهار ماه بعد نیروی نظامی روسیه به گرجستان حمله کرد و جمهوری‌های مستقل آبخازیا و اوستیای جنوبی را ایجاد کرد. پس‌از آن نیز در سوریه قدرت آمریکا را در ۲۰۱۲ به چالش کشید. تضاد میان روسیه و قدرت‌های غربی پیوسته تشدید می‌شد.

در سال ۲۰۱۴ قدرت‌های غربی برای عملی کردن طرح خود برای الحاق اوکراین به ناتو، تلاش جدیدی را آغاز کردند. آن‌ها از طریق سازمان‌دهی تظاهرات گروه‌های ناسیونالیست راست افراطی و حتی فاشیست از نمونه اسوبودا و گردان آروف در میدان اروپائی، رئیس‌جمهور طرفدار روسیه را سرنگون کردند. اما واکنش روسیه نیز سریع و قاطع بود. کریمه را تصرف و روس‌های جدائی‌طلب شرق اوکراین را مسلح و تقویت کرد. حمله نظامی مستقیم ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین آخرین مرحله جنگی بود که در ۲۰۱۴ با مداخله بلوک غرب آغاز شده بود و زمینه‌های آن را هم سیاست بلوک غرب پس از فروپاشی شوروی فراهم کرده بود.

اما در همین فاصله گذشته از تحولات درونی روسیه، طبقه حاکم این کشور در مبارزه با بلوک غرب متحد جدید و قدرتمندی پیدا کرده بود که به‌سرعت در حال تبدیل‌شدن به کشوری قدرتمندتر از خود روسیه بود. چین.

بورژوازی روسیه که از بده و بستان با بلوک غرب و خلف وعده آن‌ها مأیوس شده بود، در نیمه دوم دهه ۹۰ در پی اتحاد با همسایه خود، چین برآمد و سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ با ابتکار روسیه و چین، ایجاد گردید. در ۱۹۹۷ بلتسین و ژیانگ ژمین یک بیانیه مشترک از یک جهان چندقطبی دفاع کردند. این بزرگترین سازمان منطقه‌ای که اکنون به یک سازمان اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی نظامی تبدیل‌شده است، " ۶۰ درصد مساحت اوراسیا، ۴۰ درصد جمعیت جهان و ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در برمی‌گیرد" و شامل چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، هند، پاکستان، و اخیراً جمهوری اسلامی ایران است. ده کشور دیگر هم تقاضای پیوستن به آن را دارند. نقش اصلی اقتصادی را در این سازمان چین بر عهده دارد که حالا به دومین قدرت اقتصادی بزرگ جهان و بزرگترین تهدید

برای بلوک امپریالیست غرب تبدیل‌شده است. گرچه چین دومین قدرت اقتصادی جهان پس از آمریکا است، اما نکته مهم در این است که آمریکا در سراسری قرار گرفته، چین اما در حال رشد و اعتلاست. تفاوت چین با شوروی هم در این است که توازن قوای شوروی با آمریکا در قدرت نظامی قرار داشت، اما توازن چین با آمریکا مقدم بر هر چیز در شاخص‌های اقتصادی است. ژائو هوشنگ استاد انستیتوی مطالعات بین‌المللی دانشگاه فودان شانگهای در مقاله‌ای تحت عنوان "آوانگ تاریخ: ۳۰ سال پس از اتحاد شوروی" در ژانویه امسال نوشت: " در ۱۹۹۲ بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد شوروی تولید ناخالص داخلی ایالات‌متحده آمریکا ۵۲ / ۶ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود که تقریباً ۶ / ۲۵ درصد تولید اقتصادی جهان بود، درحالی‌که تولید ناخالص داخلی چین ۹ / ۲۲۶ میلیون دلار معادل ۶۷ / ۱ درصد اقتصاد جهان بود. بنابراین، چین به نحو حیرت‌آوری عقب بود و در رده دهم اقتصاد جهان قرار داشت. تا سال ۲۰۲۰ تولید ناخالص داخلی ایالات‌متحده آمریکا بیش از سه برابر شد و به حدود ۲۰ / ۹۴ تریلیون رسید اما در همین دوره مجموع قدرت اقتصادی چین بیش از ۳۴ برابر افزایش یافت و به رقم ۷۲ / ۱۴ تریلیون دلار رسید که حدوداً ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایالات‌متحده آمریکا و در حدود ۱۷ درصد اقتصاد جهان است. با توسعه زیربنای اقتصاد، چین، سهم این کشور در مجموع اقتصاد جهان، در هر سال حدوداً یک درصد رشد کرده و از ۸ / ۴ درصد در ۲۰۰۵ اکنون به حدود ۱۷ درصد رسیده است. بر طبق پیش‌بینی‌های مختلف با حفظ روند کنونی، چین در آینده نزدیک به‌عنوان بزرگترین اقتصاد جهان بر ایالات‌متحده آمریکا سبقت خواهد گرفت." این ارزیابی قبلاً نیز از سوی اقتصاددان‌های غربی تأیید شده است. اما پوشیده نیست که این پیشرفت اقتصادی همراه بوده است با پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و فنی و تسلیحاتی. با تشدید تضادهای آمریکا و چین و افزایش تهدیدهای آمریکا، چین که البته از گذشته نیز دارای ارتش قدرتمندی مجهز به سلاح اتمی بود، در سال‌های اخیر پیوسته در حال افزایش هزینه‌های نظامی و تجهیز ارتش خود به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها بوده است. بودجه نظامی چین که در سال ۲۰۰۰ کمتر از ۲۳ میلیارد دلار بود، تا سال ۲۰۲۱ به ۲۵۲ میلیارد دلار افزایش یافته است. بنابراین، روشن است که چرا به‌ویژه امپریالیسم آمریکا از امپریالیسم چین وحشت دارد و از دوره ترامپ و بایدن سیاست به‌اصطلاح مهار چین در دستور کار قرار گرفته است. در جهت پیشبرد این سیاست، اکنون نیز برای محاصره دریایی چین، گروه‌بندی چهارجانبه اقیانوس هند و اقیانوس آرام را شامل آمریکا، استرالیا، ژاپن، هند تقویت کرده و حتی برای تولید سلاح‌های اتمی نسل جدید و پیشرفته، اخیراً قراردادی میان آمریکا، انگلیس و استرالیا منعقد شده است.

بنابراین مسئله آمریکا صرفاً این نیست که چین در صفحه ۷

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

حمله نظامی روسیه به اوکراین و پایان جهان تک‌قطبی

از نظر اقتصادی و علمی و تکنولوژیک بر آمریکا سبقت می‌گیرد. مسئله این است که رشد اقتصادی چین به‌عنوان یک قدرت امپریالیست همراه است با تلاش برای تصرف بازارهای جدید و پروژه بلندپروازانه توسعه اقتصادی و تجاری، یک کمربند و یکراه که ۷۸ کشور را در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را در برمی‌گیرد، مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا را مورد تهدید جدی قرار داده است. چین با قدرت عظیم خود در حال برهم زدن توازن قوا در سطح جهان و پایان دادن به هژمونی آمریکا و جهان تک‌قطبی است. تضاد در اینجاست. تضاد میان دو قدرت امپریالیست در حال پیشرفت و میرنده.

این قدرت اقتصادی که متحد نیرومند امپریالیسم روسیه محسوب می‌شود، در سال‌های اخیر با تشدید تضادهای قدرت‌های امپریالیست، مناسبات خود را با روسیه در سطوح مختلف بسط و توسعه داده است.

چین و روسیه در سال‌های اخیر قراردادهای دوجانبه خود را افزایش داده‌اند. در سال ۲۰۱۰ اقدام به استفاده از ارزهای خود برای تسویه تجارت دوجانبه کردند و نخستین خط سواپ ارزی خود را در سال ۲۰۱۴ افتتاح کردند که در سال ۲۰۲۰ آن را به مبلغ ۱۵۰ میلیارد یوان طی سه سال تمدید کردند.

هر دو کشور به دنبال کاهش اتکا به دلار و توسعه سامانه‌های پرداخت فرامرزی مربوط به خود هستند. آن‌ها اکنون فقط حدود ۳۰ درصد از مبادلات خود را با دلار انجام می‌دهند.

در حالی که اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در پی حمله به اوکراین تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه روسیه اعمال کرده‌اند دو کشور چین و هند که در مجموع ۳۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در حال افزایش مراودات اقتصادی با روسیه هستند.

از زمانی که تحریم‌ها علیه مسکو در سال ۲۰۱۴ پس از الحاق کریمه به خاک روسیه اعمال شد، تجارت دوجانبه دو کشور بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است و چین به بزرگترین مقصد صادرات روسیه تبدیل شده است. چند هفته قبل از حمله به اوکراین، چین و روسیه شراکت استراتژیک «بدون محدودیت» را اعلام کردند. تجارت بین روسیه و چین در سال گذشته ۳۵ / ۸ درصد افزایش یافت و به رکورد ۱۴۶ / ۹ میلیارد دلار رسید. این دو کشور قصد دارند تجارت دوجانبه را تا سال ۲۰۲۴ تا رقم ۲۵۰ میلیارد دلار در سال افزایش دهند.

روسیه منبع اصلی تأمین نفت، گاز، زغال‌سنگ، مواد پتروشیمی، فلزات صنعتی و محصولات غذایی و کالاهای کشاورزی برای چین است. روسیه دومین تأمین‌کننده بزرگ نفت و زغال‌سنگ و تأمین‌کننده شماره سه گاز چین است.

سه ماه پیش پوتین از قراردادهای جدید نفت و گاز روسیه با چین به ارزش ۱۱۷ / ۵ میلیارد دلار رونمایی کرد. علاوه بر این چین یکی از خریداران تسلیحات روسی است.

از سوی دیگر، چین محصولات مکانیکی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل، تلفن همراه، خودرو و محصولات مصرفی را به روسیه می‌فروشد.

رقابت روسیه با قدرت‌های غربی و تحریم‌های این کشور پس از سال ۲۰۱۴ روسیه را واداشته به چین برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری نگاه کند و بانک‌های دولتی چین به روسیه کمک کرده‌اند تا هم‌چیز را از زیرساخت‌ها گرفته تا پروژه‌های نفت و گاز تحت طرح کمربند و جاده چین تأمین مالی کند.

"داده‌های تحقیقاتی کالج ویلیام و مری نشان می‌دهد که روسیه در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ بزرگترین دریافت‌کننده منابع مالی بخش دولتی پکن است و ۱۰۷ وام و اعتبار صادراتی به ارزش ۱۲۵ میلیارد دلار از مؤسسات دولتی چین را بین این سال‌ها تضمین کرده است."

مناسبات نظامی روسیه با چین پیوسته تقویت شده و سال گذشته برای اولین بار مانور مشترک نظامی چین و شوروی در خاک چین برگزار شد. توسعه اتحاد میان این دو قدرت امپریالیست به نقطه‌ای رسیده است که روسای روسیه و چین در ۴ فوریه ۲۰۲۲ یعنی ۲۰ روز پیش از حمله نظامی روسیه به اوکراین در یک بیانیه مشترک اعلام کردند که دوستی میان دو کشور حدی ندارد. آن‌ها مرحله جدیدی را در اتحاد استراتژیک دو کشور اعلام کردند. گرچه این هنوز نظامی به معنای ناتوانی آن نیست، اما در هر حال موضع روسیه را در حمله نظامی به اوکراین تقویت کرد. این دو در سال‌های اخیر مشترکاً کوشیده‌اند که نفوذ آمریکا را به چالش بکشند و محدود کنند. از شکست‌ها در عراق و افغانستان بهره‌برداری کرده‌اند، در سطح جهان از مخالفت مردم بیشتر کشورهای جهان علیه امپریالیسم آمریکا بهره‌برداری کرده‌اند و دولت‌های متحد آمریکا را به مقابله با بلوک غرب برانگیخته‌اند که نمونه‌های اخیر آن را در رأی‌گیری‌های اخیر در سازمان ملل بر سر روسیه و مسئله اوکراین، یا خودداری برخی دولت‌های نفت‌خیز از پذیرش خواست آمریکا برای افزایش تولید و صادرات نفت دیده‌ایم.

روسیه همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در ۲۰۱۴ سازمان داد که دربرگیرنده روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان است. روسیه در سال‌های اخیر مناسبات اقتصادی خود را با هند نیز گسترش داده و فروشنده نفت و سلاح به چین است.

این واقعیات نشان می‌دهند که دنیای تک‌قطبی بلوک امپریالیستی آمریکایی-اروپایی در حال پایان یافتن است. جای این تک‌قطبی را دنیای دو یا چندقطبی خواهد گرفت. اما این تحولات سهل و ساده هم پیش نخواهد رفت. هنوز امپریالیسم آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی جهان است و هزینه‌های نظامی آن ۷۶۸ میلیارد دلار است. کمتر هم پیش می‌آید که یک قدرت بزرگ مثل شوروی خودش بدون جنگ فروپاشد. از همین رو احتمال جنگ‌های بزرگتر میان قدرت‌های

امپریالیست وجود دارد. این‌که این جنگ‌ها به چه شکلی اتمی یا غیر اتمی رخ خواهد داد قابل پیش‌بینی نیست. اما دیده‌ایم که آمریکا در جنگ جهانی دوم برای استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ژاپن لحظه‌ای تردید نکرد و اخیراً نیز پوتین به‌صراحت امکان استفاده از آن را مطرح کرد.

ما کمونیست‌ها همواره تأکید کرده‌ایم که جنایت و کشتار در ذات امپریالیسم است. تا امپریالیسم و نظم سرمایه‌داری هست جنگ‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهند بود. امپریالیسم آمریکا با جنگ و دندان تلاش خواهد کرد موقعیت برتر خود را که دوران آن سپری شده است، حفظ کند. اما آنچه روشن است جهان تک‌قطبی عملاً تا همین لحظه شکست‌خورده است. هم‌اکنون در واقعیت دو بلوک امپریالیست رو درروی یکدیگر قرار گرفته‌اند. روسیه و چین در برابر آمریکا و اروپا.

در این میان پوشیده نیست که از زاویه منافع طبقه کارگر جهانی، جهان چندقطبی به نفع طبقه کارگر است، از خفقان و سرکوبی که جهان تک‌قطبی ایجاد کرده بود، بهتر است، ولو این‌که می‌دانیم بلوک‌های رقیب غرب هم ارتجاعی‌تر از آن‌ها هستند. اما تضادهای میان آن‌ها این امکان را می‌دهد که جنبش‌های کارگری رشد کنند و به‌رغم دشمنی تمام قدرت‌های امپریالیست با طبقه کارگر و سوسیالیسم، اما دیگر به‌سادگی یک قدرت هژمون در جهان تک‌قطبی نمی‌تواند انقلاب‌های کارگری را سرکوب کند. در هر حال، گرچه جهان چندقطبی به نفع طبقه کارگر است، اما این به معنای حمایت از این یا آن بلوک نیست. درگیری و کشمکش میان قدرت‌های امپریالیست، واقعیتی عینی است که مستقل از اراده و آگاهی ما در نتیجه رشد تضادها و ناموزونی رشد در عصر امپریالیسم رخ داده و می‌دهد. برخی از این‌که شکل‌گیری جهان چندقطبی و شکست تک‌قطبی به نفع طبقه کارگر است، تلاش می‌کنند، کارگران را گمراه کنند و در برابر جریاناتی که به اسم دموکراسی غربی از این بلوک حمایت می‌کنند، جانبداری از بلوک روسی و چینی را تبلیغ می‌کنند. آن‌ها نیز همانند طرفداران بلوک امپریالیستی غرب، زائنده‌های بی‌مقدار قطب‌امپریالیست مقابل‌اند. کمونیست‌ها باید مستقل از تمام بلوک‌بندی‌های امپریالیستی برای تقویت تشکل و آگاهی طبقه کارگر و برپائی انقلاب‌های کارگری و برپائی سوسیالیسم تلاش کنند. این یگانه سیاست صحیح مارکسیستی و کمونیستی است.



خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگران جهان امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که دولت امپریالیستی روسیه و بلوک امپریالیستی اروپا و آمریکا جنگ ویرانگری را در اوکراین برافروخته‌اند. کشتار و تخریب و آوارگی، بیکاری و فقر و گرسنگی ناشی از این جنگ قبل از همه متوجه کارگران است و دود آن به چشم کارگران و زحمتکشانی می‌رود که هیچ‌گونه نفع و نقشی در این جنگ ارتجاعی ندارند. ادامه این جنگ امپریالیستی تشدید تضاد و رقابت میان دولت‌های امپریالیستی درگیر در آن می‌تواند مردم تمام جهان را به مخاطره اندازد.

سرمایهداری جهانی که غرق در بحران ساختاری و تنگنای اقتصادی است، راه نجات خود از بحران و تنگنای اقتصادی را در ایجاد جنگ و کشتار و ناامنی جستجو می‌کند. جنگ اوکراین یک جنگ امپریالیستی است که تا همین‌جا ده‌ها هزار کشته و آواره در پی داشته است. جنگ‌افروزی دولت‌های امپریالیستی تأثیرات مخربی بر شرایط کاری و معیشتی کارگران و زحمتکشان کشورهای درگیر در جنگ و حتی سایر کشورها برجای گذاشته است. قدرت‌های امپریالیستی تمام بار بحران و هزینه جنگ را بردوش کارگران و زحمتکشان آوار نموده و یورش به سطح حقوق و معیشت و دستاوردهای طبقه کارگر را تشدید کرده‌اند. تمام کارگران جهان به‌ویژه کارگران کشورهای درگیر در جنگ، علیه این جنگ امپریالیستی‌اند. کارگران ضمن گسترش اعتصابات و تشدید مبارزه علیه رژیم‌های سرمایه‌داری حاکم بر این کشورها، خواهان پایان فوری این جنگ هستند.

کارگران مبارز

طبقه کارگر ایران نیز به‌عنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود که در بدترین شرایط معیشتی و زیستی قرار دارد. دستمزدها در مقایسه با رشد تورم و افزایش قیمت‌ها چنان ناچیز است که هزینه یک هفته خانوار کارگری را نیز تأمین نمی‌کند. بسیاری از کارفرمایان حتی دستمزدهای رسمی مصوب "شورای عالی کار" را به کارگران نمی‌پردازند. طبقه کارگر از ناامنی شدید شغلی، بیکاری میلیونی، فقر و فلاکت اقتصادی و محرومیت از تشکلهای مستقل و سراسری صنفی و سیاسی به شدت در رنج است. طبقه سرمایه‌دار حاکم افزون بر تحمیل بدترین شرایط اقتصادی و معیشتی و مزدی، سیاست سرکوب کارگران را نیز تشدید کرده است. احضار کارگران پیشرو، پرونده‌سازی و اخراج به بهانه پایان مهلت قرارداد کار نیز تشدید شده است.

علی‌رغم تشدید فشار و سرکوب و تعرض به حقوق و سطح معیشت کارگران، اما پرچم مبارزات کارگری همچنان در اهتزاز است. مبارزات کارگری در اشکال گوناگون و متنوعی از اعتصاب گرفته تا تجمع و تظاهرات و ایجاد راهبندان پیوسته گسترش یافته است. هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ در مؤسسات تولیدی و خدماتی گویای این واقعیت است که کارگران نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند و خواهان تغییر و دگرگونی وضع موجود هستند.

رفقای کارگر

اول ماه مه روز ما کارگران است. در اول ماه مه تمام ماشین‌های تولید را خاموش و کار را تعطیل کنیم و برای تحقق خواست‌های خود وارد خیابان شویم. در اول ماه مه مطابق سنت‌های کارگری در این روز، همبستگی طبقاتی خود را با رفقای کارگرمان در سراسر جهان اعلام داریم و بار دیگر پرچم اتحاد طبقاتی و مبارزه واحد و آشتی‌ناپذیر علیه سرمایه را به اهتزاز درآوریم.

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) متشکل در هسته امیر پرویز پویان ضمن ابراز همبستگی با تمام کارگران و شرکت فعالانه در مراسم‌های اول ماه مه، از مبارزه طبقه کارگر برای تحقق مطالبات خویش و مبارزه برای نابودی نظام سرمایه‌داری قویاً حمایت می‌کنند.

هسته امیر پرویز پویان، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان را به طبقه کارگر و همه کمونیست‌ها و مدافعان حقوق کارگران شادباش می‌گوید.

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

هسته امیر پرویز پویان - اردیبهشت ۱۴۰۱

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به سیزدهمین کنگره حزب کمونیست ایران

رفقای عزیز!

با درودهای گرم و کمونیستی به شما شرکت‌کنندگان در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست ایران. قبل از هر چیز برگزاری کنگره حزبی تان را به شما تبریک گفته و موفقیت شما را برای رسیدن به اهداف این کنگره آرزو داریم.

سیزدهمین کنگره حزبی تان در شرایطی برگزار می‌شود که جهان سرمایه‌داری با بحران‌های عدیده‌ای مواجه است. هم‌اکنون تمام کشورهای سرمایه‌داری جهان به درجات مختلف درگیر یک بحران اقتصادی عمیق‌اند. پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری جهان همانند دهه ۷۰ قرن بیستم با بحران رکود - تورمی رویه‌رو شده‌اند. حمله نظامی اخیر روسیه به اوکراین و مقابله بلوک امپریالیستی آمریکایی و اروپایی با امپریالیسم روس، تنها یکی از تجلیات بحران سیاسی جهان سرمایه‌داری در اروپاست.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیز بحران اقتصادی، بیکاری مزمن، رشد تورم، تداوم سیاست اقتصاد نئولیبرال و کاهش واقعی دستمزدها وضعیتی را برای طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش ایران ایجاد کرده است که آنان به طور روزانه مدام فقیر و فقیرتر می‌شوند. آنچه اکنون کارگران و توده‌های زحمتکش و مزدبگیر را چه در مقیاس جهانی و چه در ایران به مبارزه و رو در رویی با نظم موجود کشانده است، همانا استثمار شدید و شرایط غیر قابل‌تحملی است که جهان سرمایه‌داری بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است. وضعیت وخامت‌باری که رهایی از آن، بجز با براندازی نظم پوسیده سرمایه‌داری و جایگزینی آن با نظم سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست.

پوشیده نیست، طبقه کارگر ایران نیز همانند کارگران دیگر کشورهای سرمایه‌داری برای تحقق کار، نان، آزادی و رهایی از چنگال نظام سرمایه‌داری و نابودی استثمار و بهره‌کشی مبارزه می‌کند. در پی چنین اهدافی است که کارگران ایران طی سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری به اعتصاب و مبارزه علنی و رو در رو با طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن روی آورده‌اند. هم‌اینک روزی نیست که شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی نباشیم. کارگران ایران با کارنامه درخشانی از اعتراضات و اعتصابات روزمره، جمهوری اسلامی و طبقه حاکم را به طور جدی به چالش گرفته و برای رهایی از وضعیت موجود در مقابل جمهوری اسلامی صف‌آرایی کرده‌اند. روشن است که در این مبارزه رو در رو کارگران تنها نیستند. همگام با مبارزات کارگری، جنبش اعتراضی معلمان نیز در گستره‌ای سراسری، برای کسب مطالبات خود به طور پیوسته در کف خیابان‌ها حضور دارند. بازتنه‌نگاران با سازماندهی یکشنبه‌های اعتراض، بیش از هر زمان دیگری مطالبات خود را فریاد می‌زنند. زنان، با برخورداری از تجربه ۴۳ سال مبارزه، هم‌اینک یکی از پیشگامان مبارزه علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی هستند. نظامی که سال‌ها است در بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غوطه‌ور است، سیاست‌هایش در تمام عرصه‌ها با شکست مواجه شده و تعمیق بحران رکود - تورمی نیز ادامه‌کاری این رژیم را مختل کرده است. در چنین وضعیتی، همه شواهد حاکی از آن است که جامعه آستان یک تغییر و تحول بزرگ اجتماعی است.

با این همه، طبقه کارگر ایران به رغم برپایی اعتصابات و اعتراضاتی که به طور روزانه شاهدش هستیم، کماکان از پراکندگی رنج می‌برد و فاقد هرگونه تشکیلات سراسری است. امری که بدون دست‌یابی به آن، گسترش اعتصابات کارگری، سراسری شدن مبارزات توده‌ای و چشم‌انداز پیروزی انقلاب اجتماعی در هاله‌ای از ابهام خواهد بود. چرا که پیروزی انقلاب اجتماعی در گرو سازماندهی و تشکیلی طبقه کارگر در مقیاس سراسری است. روشن است که تحقق این امر، تنها با تلاش و کوشش مبارزاتی همه احزاب، سازمان‌ها و نیروهای چپ و کمونیست برای رسیدن به وحدت طبقاتی و سازمان‌یابی مستقل طبقه کارگر متحقق خواهد شد.

رفقای عزیز!

سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر برگزاری کنگره حزبی تان را به شما تبریک می‌گوید. امید به اینکه سیزدهمین کنگره حزبتان با موفقیت پایان‌یابد و نتایج آن متناسب با شرایط دوران انقلابی حاکم بر ایران گام دیگری برای تقویت و همکاری بیشتر احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست باشد.

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

فروردین ۱۴۰۱ - آپریل ۲۰۲۲

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان

اول ماه مه روز اتحاد و تجلی اراده واحد و تزلزل‌ناپذیر کارگران سراسر جهان و روز نمایش قدرت طبقه کارگر در مقابل اردوی سرمایه است. در این روز کارگران سراسر جهان با دست کشیدن از کار و تعطیل کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و برگزاری جشن و راهپیمایی و تظاهرات خیابانی، همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه آشتی‌ناپذیر با نظام سرمایه‌داری بنمایش می‌گذارند.

کارگران و زحمتکشان!

امسال در شرایطی روز اول ماه مه را برگزار می‌کنیم که تضاد میان قدرت‌های امپریالیست برای سلطه اقتصادی و سیاسی بر جهان به‌شدت حاد شده است. بدوام جنگ امپریالیسم روسیه و بلوک امپریالیستی اروپایی و آمریکا بر سر سلطه بر اوکراین، خطر گسترش این جنگ ارتجاعی و تبدیل آن به یک جنگ جهانی تمام‌عیار را تشدید کرده است. در پرتو این جنگ ارتجاعی، بازار انحصارات تسلیحاتی رونق بی‌سابقه‌ای گرفته است. صاحبان انحصارات بزرگ تسلیحاتی، به قیمت کشتار و آوارگی ده‌ها هزار انسان و تحمیل فقر و بدبختی بر توده‌های زحمتکشی که هیچ نقش و نفعی در این جنگ ندارند، از محل فروش سلاح، سودهای هنگفتی نصیب خود ساخته‌اند. تحت تأثیر این جنگ امپریالیستی، نرخ تورم و قیمت کالاهای موردنیاز مردم افزایش یافته است. سطح زندگی و معیشت طبقه کارگر مورد یورش قرار گرفته و تنزل یافته است. جنگ افروزان در همان حال که بر سود و سرمایه خود می‌افزایند، فقر و فلاکت بیشتری را بر طبقه کارگر تحمیل می‌کنند. برای رهایی از فقر و نکبت و بدبختی و برای رهایی از شر جنگ‌های امپریالیستی راه دیگری جز تعیین تکلیف قطعی با امپریالیسم و براندازی نظام‌های سرمایه‌داری وجود ندارد.

رفقای کارگر!

در ایران نیز در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که شدیدترین فشارهای اقتصادی و معیشتی بر کارگران تحمیل شده است. از یک سو تورم وحشتناک و افزایش روزانه و سرسام‌آور بهای کالاها و از سوی دیگر دستمزدهای بسیار ناچیز، گذران زندگی را برای خانوارهای کارگری به‌شدت دشوار ساخته است. روند تنزل قدرت خرید و دستمزدهای واقعی در سال جاری نیز با شدت بیشتری ادامه یافته است. به‌جرت می‌توان گفت طبقه کارگر در اسفبارترین شرایط معیشتی و اقتصادی قرار دارد. اکثریت عظیم جمعیت چند دهم‌بلیونی کارگران و خانواده‌های کارگری زیر خط فقر و حتی در فقر مطلق زندگی می‌کنند. اوضاع چنان وخیم است که کارگران در همان حال که به‌شدت استثمار می‌شوند اما قادر به تأمین حداقل معیشت خود نیستند. طبقه سرمایه‌دار حاکم ستم و استثمار را از حد گذشته است. این طبقه و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن، تحمیل ستم و فقر سیاه و گرسنگی را با تحمیل بی‌حقوقی مطلق بر کارگران تکمیل کرده است. رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم کارگران را از تشکلهای سیاسی و صنفی محروم ساخته است. طبقه کارگر ایران حتی از حق ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری که سازمان جهانی کار نیز آن را به رسمیت شناخته است محروم است. بدیهی است که در نبود تشکلهای سیاسی و صنفی کارگری به‌ویژه تشکلهای سراسری کارگری، طبقه حاکم نیز آسان‌تر می‌تواند طبقه کارگر و سطح معیشت آن را مورد تعرض قرار دهد.

رفقای کارگر!

اگر در کشور ما آزادی‌های سیاسی و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری وجود می‌داشت، اگر کارگران خود را در تشکلهای مستقل و سراسری متشکل کرده بودند، سرمایه‌داران نیز نمی‌توانستند تا این اندازه گستاخ باشند و حقوق کارگران را در این ابعاد پایمال کنند. این واقعیتی است که مبارزات و اعتصابات کارگران پیوسته در حال افزایش و گسترش بوده است. اما این مبارزات عمدتاً به‌صورت پراکنده و جدا از هم بوده و نتایج مطلوب را در بر نداشته است. تجارب بیش از چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی به همه کارگران نشان داده است که مانع اصلی بر سر راه تشکل‌یابی و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری رژیم سیاسی حاکم است که حافظ منافع طبقه سرمایه‌دار و نظم موجود است. در تحت چنین شرایطی در همان حال که برای متشکل شدن و ارتقای تشکل‌یابی از هیچ تلاشی نباید فروگذاری کرد اما در عین حال مبارزه برای برداشتن مانع اصلی را باید تشدید کرد. ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور با مشارکت فعالانه در مراسم و راهپیمایی اول ماه می، به مبارزات خود در راه تشکل‌یابی کارگران و برای برچیدن نظم موجود ادامه می‌دهیم. ما همچنین نفرت و انزجار خود را از جنگ امپریالیسم روس و امپریالیست‌های اروپایی و آمریکا اعلام داشته و جهت تسویه حساب با بورژوازی و اشغالگری با شعار نه به جنگ امپریالیستی، حمایت طبقاتی خود را از کارگران و زحمتکشان کشورهای درگیر جنگ اعلام می‌کنیم. ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور اول ماه می روز جهانی کارگر را به عموم کارگران و زحمتکشان و همه کمونیست‌ها در سراسر جهان تبریک می‌گوییم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران
 سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
 نابود باد نظام سرمایه‌داری
 زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
 فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور
 اردیبهشت ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی



خشم و اعتراض معلمان در سراسر ایران

بهرغم تهدیدهای پی‌درپی ارگان‌های پلیسی-امنیتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه اول اردیبهشت، ده‌ها هزار معلم و دانشجو در سراسر ایران به خیابان‌ها آمدند و در مقابل اداره‌های آموزش و پرورش تجمع‌های اعتراضی برپا کردند.

معلمان با ایراد سخنرانی‌های پرشور، خواستار تحقق خواسته‌های فوری خود، اجرای کامل و بی‌درنگ رتبه‌بندی صحیح، حداقل ۸۰ درصد حقوق هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و همسان‌سازی حقوق دانش‌آموزان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری، آزادی بی‌قیدوبند تمام معلمان در بند، توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان، آزادی تشکل و تجمع، تحصیل رایگان، توقف سیاست‌های ضد آموزشی خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش، شدند.

معلمان در این تجمع‌ها شعار سر دادند، معلم زندانی آزاد باید گردد، وزیر بی‌کفایت استعفا، استعفا، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است، معلم به پا خیز برای رفع تبعیض، جهالت می‌میرد، معلم می‌ماند، نه تسلیم نه خواهش، رتبه بدون خواهش، تحصیل رایگان حق دانش‌آموز است. معلمان در میوان شعار معلم، کارگر اتحاد، اتحاد سر دادند.

نیروهای پلیس و امنیتی رژیم تلاش کردند مانع از برگزاری تجمع‌های معلمان گردند. در تهران، نیروهای پلیس و امنیتی رژیم با استقرار در برخی خیابان‌ها و دستگیری معلمان تلاش کردند مانع از تجمع آن‌ها در مقابل وزارت آموزش و پرورش شوند.

به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در جریان تجمع‌های سراسری اول اردیبهشت، ده‌ها تن از معلمان در سراسر ایران به‌ویژه در تهران، بازداشت شدند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه پایانی تجمع‌های سراسری اعلام کرده است:

ما با صدای رسا اعلام می‌کنیم که مطالبات ما بخشی از حقوق انسانی و اولیه ماست. تنها راه تحقق مطالبات فرهنگیان اتحاد و همبستگی تشکیلاتی است و به‌زودی تاریخ تجمع بعدی را اعلام می‌کنیم و روند اعتراض تا تحقق مطالبات ادامه خواهد داشت.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات پیگیرانه معلمان که تنها راه تحقق مطالبات آن‌هاست، حمایت می‌کند و خواستار تحقق فوری تمام مطالبات معلمان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه پلیس و بازداشت تعدادی از معلمان را شدیداً محکوم می‌کند. معلمان بازداشت‌شده باید فوری و بی‌قیدوشرط آزاد شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اول اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

کنیم و آنرا حق طبیعی و انسانی آنها می‌دانیم. در همین راستا، ما طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران و افغانستان را به همدلی و همدردی برای رزم مشترک در مقابل رژیم‌های دینی و سرمایه‌داری حاکم بر ایران و افغانستان فرا می‌خوانیم.

زنده باد همبستگی توده‌های مردم ایران و افغانستان

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

دوم اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۲ آپریل ۲۰۲۲

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی را قویا محکوم می‌کنیم!

طی دو هفته گذشته، سیاست‌های سرکوبگرانه و راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناهنجویان و مهاجران ستمدیده افغانستان به شکل آشکاری تشدید شده است. اگرچه سیاست‌های نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستان بحث‌دیروز و امروز نیست، اما با شروع مهاجرت گسترده ترمردم افغانستان بعد از استقرار مجدد حکومت طالبان و پس از آن در پی حمله روز سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱، به ۳ آخوند مزدور در مشهد که منجر به مرگ دو تن از آنان شد، موج جدیدی از سرکوب و نفرت پراکنی علیه مردم ستمدیده افغانستان و به طور اخص مهاجران افغانستانی ساکن ایران ایجاد شده است.

اصرار مقامات جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی و دادستان کل، درست در همان ساعات اولیه بعد از حادثه مشهد و تاکید آنان مبنی بر اینکه قاتل "تکفیری" و از مهاجران افغانستانی بوده است، عملاً فضا را برای انجام گسترده‌تر اقدامات راسیستی و سرکوبگرانه نیروهای رژیم علیه پناهنجویان و مردم افغانستان فراهم کرد.

یک روز بعد از حادثه، فضا سازی و نفرت پراکنی علیه مهاجران افغانستان آنچنان شدت یافت، که محمود احمدی بیغش، نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی در توئیتر نوشت: "حمله گستاخانه تبعه افغانی به سه روحانی در صحن حرم مطهر امام رضا، نشان از اتفاقات ناخوشایندی توسط مهاجران بی هویت افغانی برای کشور در آینده دارد." و بدین گونه بود که موج جدیدی از سرکوب و تبلیغ سیاست نژادپرستانه علیه مردم افغانستان و مهاجران این کشور توسط رسانه‌های جمهوری اسلامی شکل گرفت که هنوز هم ادامه دارد.

واقعیت این است که اعمال سیاست نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه مهاجرین و پناهنجویان افغان موضوع جدیدی نیست. این سیاست تبعیض آمیز طی سالیان متمادی و به اشکال مختلف در رسانه‌های رسمی رژیم تبلیغ و به خورد مردم داده می‌شود و بعضاً بخشی از مردم ناآگاه کشور را به رو در رویی علیه پناهنجویان و مهاجران ستمدیده افغانستان سوق می‌دهد. این همه تبلیغات علیه مهاجران افغان در شرایطی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی بابت هر پناهجو و مهاجر افغانستانی مبلغ هنگفتی پول از سازمان ملل دریافت می‌کند، اما کمترین حق و حقوقی برای آنان قائل نیست. در واقع مردم افغانستان هم از طرف طالبان با سرکوب و تبعیض و بی حقوقی مواجه اند و هم زمانی که به عنوان مهاجر به ایران پناه می‌آورند، با سیاست‌های راسیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی روبرو می‌شوند. در حالی که این حق مردم افغانستان است که به خاطر شرایط فاجعه بار حاکم بر افغانستان چه قبل از طالبان و چه اکنون که طالبان بر سریر قدرت است، برای نجات جان خود و بر خورداری از حقوق انسانی به کشورهای دیگر پناه ببرند.

بر کسی پوشیده نیست، سرکوب و تبعیض و اقدامات نژادپرستانه ای را که مهاجران افغانستانی در ایران متحمل می‌شوند، ادامه همان سیاستی است که جمهوری اسلامی طی ۴۳ سال علیه توده‌های مردم ایران روا داشته است. همانگونه که مردم افغانستان زیر مهمیز رژیم‌های ارتجاعی پیشین و طالبان امروز قرار گرفته‌اند، توده‌های مردم ایران نیز بیش از چهار دهه است که با سرکوب و بی حقوقی جمهوری اسلامی مواجه‌اند. از این رو، توده‌های مردم ایران و افغانستان درد مشترکی را بر دوش می‌کشند و لذا، برای رهایی از این درد مشترک و رهایی از وضعیتی که توسط رژیم‌های جمهوری اسلامی و طالبان بر آنان تحمیل شده است، باید همدرد و پشتیبان هم باشند و برای سرنگونی رژیم‌های ارتجاعی و سرکوبگر حاکم بر دو کشور در کنار هم قرار گیرند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، اعمال هرگونه فشار و تبعیض نژادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی علیه پناهنجویان و مهاجران افغان را قویا محکوم می‌کند. ما از حق شهروندی برابر برای افغانستانی‌های ساکن ایران که بخش بزرگی از طبقه کارگر زحمتکش ما را تشکیل می‌دهند، دفاع می‌

دفاع از حقوق زنان کارگر و مبارزه با آپارتاید جنسی در محیط کار

پرستاران بخش خصوصی و یا پرستارانی که از سوی پیمانکاران به کار گرفته می‌شوند آن‌هم با قراردادهای ۸۹ روزه از دیگر کارگران زنی هستند که به شدت مورد استثمار قرار می‌گیرند. این گروه از کارگران عموماً تنها همان حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند در حالی که شغل پرستاری یکی از شغل‌های بادرامد مناسب در بسیاری از کشورهاست. اما جمهوری اسلامی با بازگذاشتن دست سرمایه‌داران و به کار گرفتن پیمانکاران در بخش‌های مختلف از جمله در بیمارستان‌ها، این گروه از کارگران زن را شدیداً استثمار می‌کند. بی‌حقوقی این گروه از پرستاران به‌نحوی است که گاه‌ها حتی همان حداقل دستمزد نیز به آن‌ها پرداخت نشده، تنها بخشی از ساعات اضافه کاری آن‌ها پرداخت می‌شود و همچنین کارانه‌ای نیز به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد.

همین ماجرا را ما در آموزش و پرورش نیز شاهد هستیم. معلمانی که بخش بزرگتر آن‌ها زن هستند و در پیش‌دبستانی، مهدکودک‌ها و مدارس "غیر انقاعی" با دستمزدهایی حتی کمتر از حداقل دستمزد توسط سرمایه‌داران استثمار می‌شوند و یا توسط پیمانکاران به‌عنوان "نیروی خرید خدماتی" به عریان‌ترین شکلی مورد استثمار و سوءاستفاده قرار می‌گیرند. دریافتی ماهیانه نیروهای خرید خدماتی گاه به یک میلیون تومان هم نمی‌رسد، در حالی که همگی آن‌ها دارای مدرک دانشگاهی هستند.

زنان کارگر بخشی از طبقه کارگر ایران هستند که حتی در شرایطی بدتر از دوران برده‌داری مجبور به کار هستند. ساعات طولانی کار، شرایط ناپایمن کاری، استرس دائمی و ترس از بیکاری، آن‌هم با دستمزدی که حتی نیازهای ضروری‌شان را تامین نمی‌کند. زنان کارگر به دلیل شرایط کاری‌شان همواره در خطر از دست دادن کار و در نتیجه تنها راه معاش‌شان هستند و در صورتی که کارشان را از دست بدهند، هیچ حمایتی از سوی دولت نمی‌شوند در حالی که این وظیفه‌ی دولت‌هاست که به کارگران زن یا مرد مادام که بیکار هستند، به اندازه نیاز یک خانوار مستمری پرداخت کند.

دفاع از حقوق زنان کارگر، و مبارزه با آپارتاید جنسی در محیط کار، وظیفه‌ی نه فقط زنان کارگر بلکه وظیفه‌ی کلیت طبقه کارگر و تمامی جنبش‌های اعتراضی و نیز تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و مبارز است. این وظیفه یکایک ماست که همواره بر حقوق زنان کارگر از دستمزد برابر تا تامین اجتماعی و غیره تاکید کرده و برای تحقق خواست‌های زنان کارگر، مبارزه کنیم. در اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی کارگران در سرتاسر جهان از زن و مرد، با دفاع از حقوق زنان کارگر، مبارزه علیه نظم حاکم سرمایه‌داری را تشدید کنیم. به پیش!

مزدی بابت کار خود نمی‌گیرند که بویژه در زمینه کشاورزی، و بخشا در قالی‌بافی و صنایع دستی می‌توان مشاهده کرد. نکته مشترک همه‌ی این زنان کارگر دستمزد بسیار ناچیز و شرایط کاری آن‌هاست.

به‌غیر از بخش کوچکی از زنان کارگر که در کارخانه‌های بزرگ کار می‌کنند، عمده زنان کارگر در بخش صنعت در کارگاه‌های زیر ده نفر کار می‌کنند که در دوره ریاست‌جمهوری خاتمی از شمول قانون کار خارج شدند. کارگران زن در این کارگاه‌ها نه تنها فاقد قراردادهای رسمی هستند بلکه برای دستمزدی به مراتب پایین‌تر از حداقل دستمزد مصوب "شورای عالی کار" باید گاه تا ۱۲ ساعت کار کنند.

البته کارگران زن حتی در کارگاه‌های بزرگ و یا کارخانه‌ها نیز مورد آپارتاید جنسی قرار دارند و جدا از این‌که به‌طور متوسط دستمزدشان ۳۰ درصد پایین‌تر است، با موانع و چالش‌های دیگری نیز روبرو هستند. شهریور ماه گذشته دبیر اجرایی تشکل دولتی "خانه کارگر" در غرب تهران گفته بود: "یکی از شرکت‌های تولیدی در کشور که بیشتر نیروی انسانی خود را از میان دختران مجرد انتخاب می‌کند، در صورتی‌که هر یک از این دختران در اثنای کار قصد ازدواج داشته باشند بلافاصله او را از شرکت اخراج می‌کند. به همین دلیل این دختران از ترس از دست دادن کار حتی نمی‌توانند ازدواج کنند و اگر هم ازدواجی صورت گیرد، نمی‌توانند به آن رسمیت ببخشند، چراکه به‌محض اطلاع شرکت کار خود را از دست خواهند داد... کارگران زن این شرکت به‌صورت دو شیفت بلندمدت از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب و ۷ شب تا ۷ صبح کار می‌کنند".

وضعیت کارگران زن در "بازار غیررسمی" از آن‌چه که در بالا آمد، باز بدتر است. این کارگران زن یکی از قربانیان بارز نظم سرمایه‌داری و سلطه سیاسی یک حکومت فاشیستی دینی هستند. حکومتی که با ایجاد موانع متعدد و تبعیض شدید جنسیتی بخشی از زنان را به دلیل فقر و نداری مجبور ساخته است تا به هر دستمزد و هر شرایط کاری برای نمردن از گرسنگی تن دهند. دستمزدهایی که به زحمت گاه تنها پول نان یک خانوار می‌شوند. براساس برخی برآوردها ۲۵ درصد و به عبارت دیگر ۲ میلیون زن کارگر در بازار غیررسمی مشغول کار هستند. در حالی که در بازار رسمی سهم زنان تنها ۱۴ درصد است در بازار غیررسمی اما می‌بینیم که این سهم به ۲۵ درصد می‌رسد، آن هم با پایین‌ترین دستمزد و سخت‌ترین شرایط کاری. این را هم باید اضافه کنیم که بخشی از زنان کارگر که در به‌اصطلاح بازار غیررسمی مشغول به کار هستند، زنان سرپرست خانوار هستند که سالانه به‌گفته‌ی مقامات حکومتی ۶ درصد به تعداد آن‌ها اضافه می‌شود و اتفاقاً صاحبان سرمایه با سوءاستفاده از همین نیاز مالی زنان سرپرست خانوار، آن‌ها را به بیرحمانه‌ترین و وقیحانه‌ترین شکلی استثمار می‌کنند.

۸۳۰ هزار نفر کاهش میزان اشتغال (زنان). نکته دیگر گزارش فوق این است که در حالی که نرخ بیکاری ۹/۴ درصد از سوی این مرکز اعلام شده، نرخ بیکاری در مردان ۸/۴ درصد و نرخ بیکاری در زنان ۱۴/۹ درصد بوده است. سهم فارغ‌التحصیلان از کل بیکاران نیز ۳۸/۱ درصد بود که از این میان ۲۸/۲ درصد سهم مردان و ۷۱/۸ درصد سهم زنان است!!

حتا همین آمارهای رسمی نیز وضعیت فاجعه‌بار اشتغال زنان را به تصویر می‌کشد. زنان در ایران به مانند دیگر کشورهای سرمایه‌داری و به دلیل نیازهای مناسبات سرمایه‌داری، وارد بازار کار شدند، اما وجود یک دولت دینی زن ستیز در کنار بحران اقتصادی رکود - تورمی موانع متعددی برای زنان در بازار کار (بویژه بازار رسمی کار) بوجود آورده است. هم اکنون در تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای سرمایه‌داری نرخ مشارکت اقتصادی زنان (جمعیت فعال) به ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده است، اما در ایران و چند کشور اسلامی دیگر از جمله عربستان، عراق و یمن نرخ مشارکت اقتصادی زنان بسیار پایین است.

هم‌اکنون سهم زنان از کل نیروی کار جهان نزدیک به ۴۸ درصد است در حالی که سهم زنان از بازار کار در ایران تنها ۱۴ درصد است و ۸۶ درصد از بازار کار در اختیار مردان است. این را هم در نظر بگیریم که میانگین نرخ مشارکت اقتصادی در جهان ۶۱ درصد است، اما در ایران تنها ۴/۴۰ درصد است. اگر سهم زنان از بازار کار و نرخ مشارکت اقتصادی در ایران و جهان را با هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که زنان در ایران برای ورود به بازار کار با چه موانع متعدد و سختی روبرو هستند و این در حالی‌ست که برای نمونه تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دختر و پسر در ایران حدوداً برابر است.

در حالی که در طول دهه‌های اخیر در عموم کشورهای جهان، زنان بیشتری به بازار کار وارد شده و سهم زنان از بازار کار افزایش یافته است، اما در ایران سهم زنان هیچ تغییری نکرده است. برای نمونه سهم زنان از بازار کار در سال ۵۵ نزدیک به ۱۵ درصد بوده که هم اکنون نیز در حول و حوش همین رقم می‌چرخد.

از مجموعه شاغلان زن کمتر از ۹۰۰ هزار نفر در بخش صنعت، حدود ۲ میلیون در بخش خدمات و حدود ۷۰۰ هزار نفر در بخش کشاورزی مشغول به کارند. به غیر از معلمانی که در استخدام آموزش و پرورش هستند و پرستارانی که در استخدام وزارت بهداشت و درمان و بیمارستان‌های دولتی هستند، و هر دو این گروه‌ها از گروه‌های زحمتکش جامعه هستند که کارشان برای جامعه بسیار ضروری و مفید است، سایر شاغلان زن عمدتاً کارگر هستند حال یا در بخش صنعت، یا در بخش کشاورزی و یا در بخش خدمات. جدا از این‌ها حدود ۲ میلیون کارگر زن در بخش‌های غیررسمی مشغول کار هستند و تعداد نامعلومی هم به دلیل کار فامیلی،



دفاع از حقوق زنان کارگر و مبارزه با آپارتاید جنسی در محیط کار

براساس آخرین گزارش مرکز آمار از میزان اشتغال در زمستان سال ۱۴۰۰، در حالی که در سال‌های اخیر بر تعداد شاغلان مرد مقداری افزوده شده، اما از شاغلان زن به تعداد بیشتری کاسته شده است. براین اساس، تعداد شاغلان زن از ۴ میلیون و ۳۴۵ هزار نفر در سال ۹۷ به ۳ میلیون و ۵۱۵ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت. همچنین جمعیت فعال زنان (شاغل و بیکار اما در جستجوی کار) از ۵ میلیون و ۳۵۵ هزار نفر در سال ۹۷ به ۴ میلیون و ۱۸۴ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ رسید. بنابراین در طول سه سال یک میلیون و ۱۷۰ هزار نفر از جمعیت فعال زنان و ۸۳۰ هزار نفر از تعداد زنان شاغل

(براساس آمارهای رسمی) کاسته شده است. به بیان دیگر جمعیت زنان غیرفعال از ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال ۹۸ به ۲۷ میلیون و ۶۳۸ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ افزایش یافت!! همچنین نرخ مشارکت اقتصادی (میزان جمعیت فعال از کل جمعیت) نیز در طول این سال‌ها کاهش یافته است و از بهار سال ۹۸ که برابر با ۴۴٪ / ۸ درصد بود به ۴۰٪ / ۴ درصد در زمستان ۱۴۰۰ رسید. از مجموع ۲۳ میلیون و ۴۴۷ هزار شاغل، سهم مردان ۱۹ میلیون و ۹۳۲ هزار نفر است که در مقایسه با سال ۹۷ حدود ۴۶۴ هزار نفر افزایش یافته است (در برابر در صفحه ۱۱

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 967 April 2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی